

ریشه‌های بحران
در

اقتصاد سینمای ایران (۲)

تالارهای سینما

هوشمند هنرگار

مقدمه

در آخرین سالهای قرن نوزدهم میلادی، تصاویر به حرکت درآمدند. گفته شده است که اختراع تصویر متحرک در یک محدوده کوچک زمانی، توسط چند نفر در چند کشور مختلف، صورت گرفته است: کینه تروسکوپ (Kinetoscope)، ویتاسکوپ (Vitascope)، سینماتوگراف (Cinematographe) ... ولی «تولد سینما» را روز ۲۸ دسامبر سال ۱۸۹۵ دانسته اند؛ یعنی روزی که برادران لومیر [فیلم] خود را بر روی [پرده] به وسیله [دستگاه نمایش فیلم] برای [گروه تماشاگران] در [یک مکان نمایشی] در گراند کافه پاریس به نمایش گذاشتند؛ و از جمع شدن این پنج عامل اصلی (فیلم، پرده، پروژکتور، گروه تماشاگران، مکان نمایش) سینما متولد شد.

فیلم به تنهایی سینما نیست. فیلم به علاوه پروژکتور، به علاوه پرده، سینما نیست. سینما، سینماست؛ تالار سینماست و هر آنچه در آن جمع می شود. آنچه بیش از هر چیز «سینما» را ساخت، «مکان نمایش» و «گروه تماشاگران» بودند. سینما بدون تماشاگران وجود ندارد. در سالهای بعد، روشهای دیگری نیز برای نمایش تصویر متحرک ارایه شد، که مهمترین آنها تلویزیون بود. ولی تلویزیون نتوانست جای سینما را بگیرد. گفته اند که تلویزیون و دیگر اشکال ارایه تصویر متحرک، روزی موجب مرگ سینما خواهند شد. ولی تجربه - مخصوصاً در کشورهای صاحب سینما - نشان داده که سینما طی این سالها، حتی قوی تر هم شده است.

پیش از آنکه وارد بحث اصلی شویم، بهتر است تعریفی ارایه دهیم: «سینما مکانی است که در آن «گروه تماشاگران» برای دیدن «تصاویر متحرک» گرد می آیند.»

سینما، یک تفویح ضروری

در ابتدا بهتر است این نکته را روشن کنم؛ سینما به هر شکلی که به آن نگاه شود، یک تفویح محسوب می شود. اوقات بیداری انسانها به دو گونه می گذرد: یا به «کار» مشغول اند، که می تواند شامل: کار درآمدها، آموزش حرفه ای، وظایف اجتماعی، وظایف خانوادگی و ... شود، و یا زمانی برای فراغت دارند که تفویح می کنند. مردم برای پر کردن اوقات فراغت خود در انواع تفریحات مشغول می شوند: مطالعه کتاب، تماشای تلویزیون، خواندن روزنامه، مسافرت، رفتن به تئاتر و ... بالاخره، رفتن به «سینما».

شاید بتوان تفریحات مردم را کلاً به دو گروه تقسیم کرد:

۱. تفریحات خانگی (ایستا).

۲. تفریحات خارجی (پویا).

انواع تفریحات خانگی، مانند: تماشای تلویزیون، مطالعه کتاب و روزنامه، انواع سرگرمیها و بازیهای کامپیوتری (درخانه)، ویدئو، آموزش درخانه و ...

انواع تفریحات خارجی، مانند: رفتن به میهمانی، مسافرت، رفتن به تئاتر و نمایشگاه و موزه، رفتن به تماشای مسابقات ورزشی، شرکت در فعالیتهای ورزشی، رفتن به پارکها و تفریحگاهها، شرکت در کلاسهای آموزشی جنبی و غیرحرفه ای (مانند آموزش زبان، آموزش موسیقی و آموزش نقاشی)، شرکت در برنامه های فوق برنامه (انواع گروههای آماتور و غیرحرفه ای - تئاتر، موسیقی، سرود ...، برنامه های عام المنفعه و انسان دوستانه، نمازهای جماعت و تظاهرات مذهبی) و ... رفتن به «سینما».

ویژگی تفریحات خانگی، ایستا و بی حرکت بودن آن است. ولی تفریحات خارجی، پویا هستند؛ نیازمند خروج از خانه، حضور در اجتماع و از همه مهمتر، «خرج کردن پول» هستند. شاید با مطالعه کتاب (درخانه) و تماشای برخی برنامه های آموزشی و هنری تلویزیون، «شعور» انسان بالانتر رود و تأثیر غیرمستقیم این فعالیت، بعدها در اجتماع دیده شود. ولی تأثیر اجتماعی تفریحات خارجی، مستقیم و حتمی است. کمترین تأثیر آن ایجاد و حرکت برخی فعالیتهای اقتصادی است و به همین دلیل، این نوع تفریحات پویا هستند و ضروری.

بحث بر سر آنکه تمایل مردم برای گذراندن اوقات فراغت خود، بیشتر به کدام گروه از تفریحات خانگی و خارجی است و مقایسه انواع تفریحات مردم ایران امروز با زمانها و مکانهای مختلف (مثلاً پیش از انقلاب و پس از انقلاب، یا مقایسه مردم ایران با سایر نقاط جهان) مقوله ای است بسیار ارزنده و قابل مطالعه، اما در این مقاله تنها به یک بخش از این انواع می پردازیم و آن «سینما» است.

آنچه مسلم است اینکه تمایل مردم برای برخی تفریحات خیابانی، از جمله سینما، نسبت به پیش از انقلاب، بسیار کاسته شده است. می توان دلایل زیادی برای این موضوع یافت و شاید یکی از آنها، حاکم شدن فضای تربیتی بعد از انقلاب باشد که (علی رغم تشویق مردم به شرکت در برخی فعالیتهای تظاهرات تبلیغی - سیاسی - مذهبی) اصولاً گرایش به خانه نشینی را در مردم

| سال | تعداد | سال | تعداد |
|------|-------|------|-------|
| ۱۳۱۵ | ۱ | ۱۳۳۹ | ۳ |
| ۱۳۱۹ | ۱ | ۱۳۴۰ | ۴ |
| ۱۳۲۲ | ۱ | ۱۳۴۱ | ۸ |
| ۱۳۲۳ | ۱ | ۱۳۴۲ | ۱ |
| ۱۳۲۴ | ۳ | ۱۳۴۳ | ۸ |
| ۱۳۲۹ | ۲ | ۱۳۴۴ | ۶ |
| ۱۳۳۰ | ۴ | ۱۳۴۵ | ۱۴ |
| ۱۳۳۲ | ۳ | ۱۳۴۶ | ۶ |
| ۱۳۳۳ | ۲ | ۱۳۴۷ | ۴ |
| ۱۳۳۴ | ۷ | ۱۳۴۸ | ۷ |
| ۱۳۳۵ | ۲ | ۱۳۴۹ | ۲ |
| ۱۳۳۶ | ۳ | ۱۳۵۰ | ۲ |
| ۱۳۳۷ | ۵ | ۱۳۵۲ | ۱ |
| ۱۳۳۸ | ۷ | ۱۳۵۳ | ۱ |

تقویت کرده است. این موضوع را از نگاه دیگری نیز می توان مورد سؤال قرار داد: چرا سینما در پیش از انقلاب - با آنکه در بسیاری از جلوه های خود، اشاعه دهنده فساد شمرده می شد و از طرف علمای دینی و مؤمنین تحریم می شد، و علی رغم تهدیدات و آتش زدن ها و به تعطیل کشیدن ها - باز رونق داشت و از آن استقبال می شد؛ ولی امروز که دین و حکومت و مردم آن را پاك و سالم می شمارند و همگی خواهان تعالی و ترقی آن هستند، چنین طرفداران آن کم شده است و سینماها خالی می مانند؟

نگاهی به پیش از انقلاب

شاید نتوان آنچه را که ابراهیم خان صحافی در سال ۱۲۸۳ شمسی در خیابان چراغ گاز تهران برپا کرد، به معنی درست کلمه «سینما» به حساب آورد، ولی همان، اولین اقدام جهت عرضه محصول سینمایی - فیلم - در ایران بود. بعد از آن، می رسم به کوششهای دیگری در این زمینه و گشایش مکانهایی نزدیکتر به تالار سینما: روسی خان و آقا یوسف ... تا اردشیر خان ارمنی (باتماگریان) و علی و کیلی، و افتتاح اولین تالارهای دائمی سینما در تهران، تبریز، رشت و شیراز و ...

سینماها، فروش خوبی می کنند، دولت وقت هم حمایت می کند و در تهران و شهرستانهای بزرگ، سینماها یکی پس از دیگری ساخته می شوند و کم کم، مردم به سینما رفتن عادت می کنند.

رشد سینماداری، موجب اولین قانونگذاری و درجه بندی برای سینماها می شود: «نظامنامه سینماها مصوب پنجم بهمن ماه سال ۱۳۱۴». بر اساس این نظامنامه، سینماها به سه گروه درجه اول، درجه دوم و درجه سوم، تقسیم می شوند. در خرداد ۱۳۲۹ دومین سری قوانین مدون برای سینماها، تحت عنوان «آیین نامه سینماها و مؤسسات نمایشی» ارایه می شود. در این آیین نامه، مؤسسات نمایشی به سه درجه (عالی، اول و دوم) تقسیم بندی می شوند. در سال ۱۳۴۷ نیز آیین نامه دیگری صادر می شود و سینماها به پنج گروه: ممتاز (چهار ستاره و پنج ستاره)، درجه یک (سه ستاره)، درجه دو (دو ستاره)، درجه سه (یک ستاره) و تابستانی تقسیم می شوند. این آیین نامه ها به طور معمول، سه بخش را دربرمی گیرند: یکی، شرایط تأسیس سینما، دیگری، رعایت اصول معماری، فنی، بهداشتی و انتظام سینماها، و بخش سوم، بخش نظارت و بازبینی فیلمها. معیارهای درجه بندی سینماها براساس معماری و ساختمان

جدول ۱: تأسیس سینماهای تهران از ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۶

سینما، امکانات رفاهی، زیباسازی تالارها و رعایت اصول بهداشتی و فنی بوده است. چنانکه دیده می شود، اساس ضوابط و معیارها در این آیین نامه ها، همان است که همچنان برقرار است. طی سالهای پیش از انقلاب، سینماداری و سینماسازی در ایران علی رغم افت و خیزهایی که ناشی از رونق و رکود در صنعت سینمای ایران است، همچنان جزو پرسودترین مشاغل قرار دارد. نگاهی به آمار تأسیس سینماها، نشانگر آن است که رشد تدریجی سینماسازی، از حدود سال ۱۳۱۰ شمسی در تهران و شهرستانها آغاز می شود. تقریباً از سال ۱۳۲۵، تأسیس سینماها شتاب می گیرد و بین سالهای ۳۵ تا ۵۰، بالاترین حد سرعت سینماسازی در ایران دیده می شود. از آغاز دهه ۵۰، آن شتاب عجیب، یکباره افت می کند، تا اینکه از سال ۵۷ و طی سالهای

| سال | تعداد | سال | تعداد | سال | تعداد |
|------|-------|------|-------|------|-------|
| ۱۳۰۸ | ۱ | ۱۳۳۱ | ۲ | ۱۳۴۵ | ۲۶ |
| ۱۳۱۰ | ۱ | ۱۳۳۲ | ۴ | ۱۳۴۶ | ۱۸ |
| ۱۳۱۱ | ۱ | ۱۳۳۳ | ۱ | ۱۳۴۷ | ۱۸ |
| ۱۳۱۲ | ۵ | ۱۳۳۴ | ۵ | ۱۳۴۸ | ۱۴ |
| ۱۳۱۷ | ۳ | ۱۳۳۵ | ۱۳ | ۱۳۴۹ | ۱۸ |
| ۱۳۱۸ | ۲ | ۱۳۳۶ | ۵ | ۱۳۵۰ | ۱۲ |
| ۱۳۲۲ | ۳ | ۱۳۳۷ | ۱۴ | ۱۳۵۱ | ۱۱ |
| ۱۳۲۴ | ۱ | ۱۳۳۸ | ۱۸ | ۱۳۵۲ | ۵ |
| ۱۳۲۵ | ۳ | ۱۳۳۹ | ۱۵ | ۱۳۵۳ | ۴ |
| ۱۳۲۶ | ۳ | ۱۳۴۰ | ۱۸ | ۱۳۵۴ | ۱ |
| ۱۳۲۷ | ۴ | ۱۳۴۱ | ۲۲ | ۱۳۵۵ | ۱ |
| ۱۳۲۸ | ۲ | ۱۳۴۲ | ۱۵ | | |
| ۱۳۲۹ | ۱ | ۱۳۴۳ | ۱۳ | | |
| ۱۳۳۰ | ۳ | ۱۳۴۴ | ۱۴ | | |

جدول ۲: تأسیس سینماهای شهرستانها از ۱۳۰۸ تا ۱۳۵۶

اولیه پس از انقلاب، ما شاهد رشد منفی (تعطیلی سریع سینماها) در این عرصه هستیم. [جدولهای ۱ و ۲ و نمودار شماره ۱]^۱ چنانکه دیده می شود، بالاترین حد رشد مربوط به سالهای ۴۰-۴۵ است. این رشد عجیب، در سالهای ۴۵-۵۰، کمی افت می کند و این افت، بیش از هر چیز مربوط است به لغو معافیت مالیاتی از طرف دولت و برقراری دوباره عوارض بر ساخت سینماها (در تهران) از سال ۱۳۴۶. اما از سال ۵۰، ما شاهد افت عجیبی در ساخت و تأسیس تالارهای سینما هستیم و این به دو عامل برمی گردد: یکی، بحران اقتصادی صنعت سینما که از آغاز دهه ۵۰ شروع شده است و دیگری، اشباع بازار و دستیابی به تعادلی تقریبی در عرضه و تقاضا. اما رکود و سقوط سینماداری و سینماسازی از سال ۵۵ به جز دو عامل فوق، موجبات دیگری هم دارد: یکی فضای انقلابی سالهای ۵۶ و ۵۷ در کشور و دیگر، تغییر مناسبات و روابط اقتصادی بعد از انقلاب، مخصوصاً در عرصه سینما، که به رکود سخت سالهای (۶۲-۵۸) می انجامد. طی سالهای (۶۲-۵۵) تعداد سینماهای کشور، از حدود ۴۳۰ واحد به ۲۷۰ واحد می رسد.

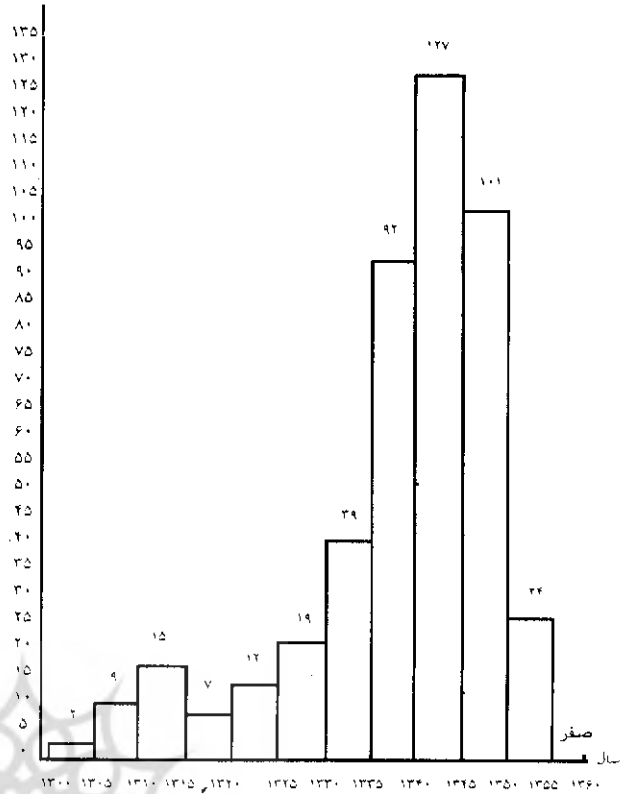
تعداد سینماهای کشور در اواسط دهه ۳۰، حدود ۱۱۰ واحد بود.^۲ حمید شعاعی در «فرهنگ سینمای ایران» تعداد سینماهای فعال تهران را در ۱۳۳۵، ۵۲ واحد ذکر می کند. ولی از آمار سینماهای تأسیس شده و باقیمانده تا آن زمان، به نظر می آید که این عدد، واقعی نیست و تعداد سینماها باید کمی بیش از ۴۰ واحد باشد. شعاعی در همان کتاب، آمار سینماهای تهران را در ۱۳۴۵، ۸۳ واحد و سینماهای شهرستانها را ۲۳۸ واحد ذکر می کند. باز به نظر می رسد که خطایی رفته است. تعداد سینماهای تهران در آن تاریخ، باید حدود ۱۰۰ واحد و حتی کمی بیش از آن باشد، و در کل کشور نیز حدود ۳۳۰ سینمای فعال، موجود باشد. یعنی، حدود ۳۰ سال پیش در ایران، نزدیک به ۵۰ سینما بیشتر از امروز فعال بوده است.^۳ بالاترین تعداد سینماهای فعال در ایران در اواسط دهه ۵۰، حدوداً ۴۳۰ واحد بوده است.^۴ بنابراین حمید شعاعی در «فرهنگ سینمای ایران»، بالاترین ظرفیت سینما، متعلق به سینمای «دنیا» با ۲۲۰۰ صندلی در خیابان اسلامبول، میدان مخبرالدوله (سابق) بوده است. «سینما دنیا (میدان مخبرالدوله)؛ این سینما در اسفندماه ۱۳۳۵ گشایش یافت. از نظر تعداد صندلی بزرگترین سینمای ایران است زیرا حدود دوهزار و دوست صندلی دارد.»^۵

باز هم به خبر فوق و دقت رقم ذکر شده، اعتمادی نیست. مشخصات و اطلاعات کاملتری از سینماهای پیش از انقلاب در کتابهای «تاریخ سینمای ایران» مسعود مهرابی و «فرهنگ سینمای ایران» حمید شعاعی آمده است.

رونق سینماداری در دهه های ۳۰ و ۴۰، موجب ایجاد تجمع صنفی سینماداران شد. نخست در سال ۱۳۴۵ «سندبیکای سینماداران» تحت پوشش وزارت کشور، ایجاد می شود. این اتحادیه در سال ۱۳۵۳ به «انجمن سینماداران ایران» تغییر می کند و زیر نظر وزارت فرهنگ و هنر (سابق) قرار می گیرد. این انجمن با همان نام تا این تاریخ، همچنان پابرجاست.^۶

موقعیت شغلی سینماداران پیش و پس از انقلاب، چنان متضاد و معکوس هستند که با شواهد فعلی، نمی توان حتی تصویری از آن تسلط و بازار چشمگیر سینماداری و سینماسازی در پیش از انقلاب به دست آورد. واقعیت این است که سینمادارها در پیش از انقلاب، حاکمیت و اقتدار زیادی داشتند و حتی، گاه تعیین کننده خط مشی سینمای ایران بوده اند.

محمد مهدی دادگو در «نکاتی پیرامون اقتصاد سینمای ایران»



نمودار ۱: رشد تأسیس سینماها از ۱۳۰۰ تا ۱۳۶۰.

همچنین اسماعیل نوری علاء در دی ماه ۱۳۵۱ در مقاله «زوال منابع مالی سینمای ایران» می گوید:

«اینجا دیگر قانون جنگل حکمفرمایی کامل دارد. صاحب سینما سرمایه ای را مبدل به آجر و تیر و نخته کرده است. در واقع سرمایه ای دارد که از خطرات گردش پول به دور است. پولش ساختمان عظیمی شده است که محکم روی زمین ایستاده است و می خواهد تا تولیدات تهیه کننده فیلم را در لای چرخ دنده آپاراتهایش مصرف کند ...»

بین صاحب سینما و صاحب فیلم جنگی واقعی و شدید برقرار است، صاحب فیلم که محصولاتش را به آپارات سینما سپرده است آرزو می کند که فیلم بیشتر و بیشتر در آن آپارات بگردد و صاحب سینما هم می خواهد هر چه زودتر آپاراتش فیلم را بمکد و پس مانده اش را تف کند. اینجاست که در حین بستن قرارداد، مسائلی نظیر «حداقل فروش» و «کم شدن پورسانت» پیش می آید ...»

... [پس از هفته اول] اگر از فروش فیلم تاکنون او [تهیه کننده] و صاحب سینما پنجاه پنجاه برداشت می کردند، حالا صاحب سینما تهیه کننده را صدا می کند و می گوید، اگر می خواهی فیلمت به هفته دوم برود، باید ۳۵٪ تو برداری و ۶۵٪ من، و تهیه کننده هم سرازیر نشناخته زیرا قرارداد را امضاء می کند ...»

در کجای دنیا حداقل سهم صاحب سینما از فروش یک فیلم ۵۰٪ است، اگر صاحب سینما به جای ساختن سینما با همان پول آپارتمان ساخته بود مگر در ماه چقدر درآمد داشت؟ در کجای دنیا مالیات بردرآمد سینما و مالیات بر بازگشت سرمایه تهیه کننده یک اندازه است؟ در کجای دنیا صاحب فیلمی باید یکسال صبر کند تا صاحب سینمایی هوس کند و اراده کند تا فیلمش را در تعطیلات مذهبی، در روزهای سرد و بارانی زمستان، در روزهای آخرسال که کسی به سینما نمی رود و در هفته های اواسط تابستان به اصطلاح خودشان به طور «لای» نمایش دهد؟ در کجای دنیا صاحب سینمایی که تهیه کننده است حق دارد برای فیلم های خودش در ترتیب نمایش اولویت قابل شود؟ و از این سؤاها بسیار است ...»^۹

هرچند به نظر می رسد که بخشی از گفته های دادگو و نوری علاء، کمی اغراق آمیز باشد و به اقتدار سینماداران در پیش از انقلاب رنگی افسانه ای می دهد، با این حال، در تسلط و توفیق سینماداری در پیش از انقلاب، جای شکی نیست و این موردی

در مورد موقعیت سینماداران در پیش از انقلاب، چنین می گوید: «پیش از سال ۱۳۵۷ ... در ترسیم خطوط فرهنگی و اقتصادی کل سینمای کشور نقش تعیین کننده را «سالن سینما» ایفا می کرد ... در طول تاریخ نمایش فیلم در ایران (تا سال ۱۳۶۲) سهم صاحب سالن سینما از فروش بلیت هیچگاه کمتر از پنجاه درصد بهای بلیت نبوده است ...»^{۱۰}

«سینماداری» حرفه ای پول ساز و پرسود شده بود که البته عوامل دیگر هم این وضع را تشدید می کرد:

۱) بهای زمین برای ایجاد سالن، با تمام محدودیتهای مفروض برای تأسیس سینما، بسیار ناچیز بود.

۲) مصالح ساختمانی ارزان و فراوان بود.

۳) تهیه تجهیزات سالن، از تأسیسات عمومی گرفته تا تجهیزات نمایش و صدا، از خارج آسان بود و تأمین آنها توسط هر شخص یا شرکتی در اسرع وقت وجود داشت.

۴) از لحظه تأسیس سالن سینما مالک آن می توانست با اقتدار تمام در انتخاب فیلم، مدت نمایش و تعویض اکران شخصاً عمل کند. به این ترتیب سرمایه گذاری برای ساخت سالن سینما، در مقایسه با سایر عرصه های اقتصادی - ساختمانی در زمینه بازگشت سرمایه، سودمند و حتی رقابت ناپذیر بود ... سالن سینما - و در واقع مالک آن - با ادعای آگاهی بر ذائقه تماشاگر و شناخت فیلم «تماشاچی پسند»، ورود و تولید و خط مشی فرهنگی و اقتصادی کل سینمای کشور را تعیین می کرد.»



خیابان لاله زار: کوچه ملی، روزگاری سینماها در این کوچه چه رونقی داشتند!

چیزهایی هستند که سالها از آنها دریغ شده بود. فیلمهای سیاسی-انقلابی و فیلمهایی با ظاهر انقلابی در این سالها، بدون ممنوعیت، وارد می شد و مردم با اشتیاق به تماشای آن می رفتند. بسیاری از فیلمها که موضوعات خشن و حتی ضدانقلابی داشت، با حذف و جابه جایی قسمتهای مختلف و مخصوصاً با تغییر در گفتگوهای فیلم (هنگام دوبلاژ) به عنوان فیلمهای (به ظاهر) انقلابی به نمایش درمی آمد. حتی پس از فروکش کردن جو انقلابی جامعه و حاکم شدن قوانین جدید و نظارت و کنترل دولت، این گونه دست بردن در فیلمها و آرایش سیاسی و انقلابی بخشیدن به آنها، تا سالها ادامه پیدا کرد و حتی امروزه نیز دیده می شود.

از اواسط سال ۵۹- با شروع جنگ تحمیلی- بازار سینماداری رو به وخامت می رود و کم کم به رکود صنعت سینمای ایران نزدیکتر می شود و با آن به تعادل می رسد. تا سال ۶۲ که سیاستهای جدید سینمایی کشور، شکل می گیرد و اعمال می شود.

متأسفانه، آمار دقیقی از فروش سینماها در سالهای (۵۸ و ۵۹) و نیز (۶۰، ۶۱ و ۶۲) موجود نیست، ولی میزان آن متناسب با آن چیزی است که گفته شد: رونق در سالهای ۵۸ و ۵۹ و نزول در سالهای بعد.

تالانهای سینما در ده سال اخیر

علی رغم کوششهای بسیار نهادهای دولتی و تأکید چندباره مسئولان بر کمبود سینماهای کشور، تعداد سینماهای تأسیس شده پس از انقلاب، شاید از تعداد انگشتان دست کمتر باشد؛ حال آنکه تعداد سینماهای تعطیل شده طی همین سالها (از سال ۵۷ تا امروز) بیش از دویست واحد بوده است (البته تعدادی از آنها، دوباره بازسازی شده اند).^{۱۱} این سیر ویرانگر، می توانست ادامه پیدا کند، اگر دولت دست صاحبان سینما را در تغییر شغل بازمی گذاشت. (اینکه اگر زوال سینماداری، چنان پیش می رفت که ... «خرابی چون که از حد بگذرد، آباد می گردد» و بر ویرانه ها، سینمای نوینی شکل می گرفت، مطلبی است، البته قابل بحث). آری، امروزه تمامی سینماداران بخش خصوصی، خواستار تغییر شغل خود هستند. آنان که روزگاری از جمله موفق ترین سوداگران زمان خود بودند و به قول دادگجو: «سرمایه گذاری برای ساخت سالن سینما، در مقایسه با سایر عرصه های اقتصادی- ساختمانی ... رقابت ناپذیر بود.»^{۱۲}، امروزه چنان ورشکسته و درهم شکسته شده اند که همگی،

است که امروزه، کاملاً معکوس شده است و اضطرار و بی اختیاری و عدم توفیق در سینمادارها، به خوبی مشهود است. سال ۵۷، سال انقلاب، فرامی رسد. در این سال، چندبار سینماها به تعطیلی کشیده می شوند. دوبار سینمادارها اعتصاب می کنند. چندین سینما از طرف مردم یا خود سینمادار یا ایادی دولت وقت، به آتش کشیده می شوند؛ و غم انگیزترین حادثه سینمای ایران در این سال رخ می دهد: آتش سوزی عمدی و طراحی شده سینما رکس آبادان. تعداد کشته ها بین ۲۳۰ تا ۴۰۰ نفر ذکر شده است. مردم مشغول تماشای فیلم «گوزنها» بودند.

«مردم، ساواک را به دست داشتن در این آتش سوزی متهم ساختند و دلیل آوردند که رژیم با ایجاد این حادثه ی تکان دهنده در پی تبلیغاتی علیه جنبش انقلابی بوده است، اما شاه این اتهام را رد کرد و آتش سوزی را کار مخالفان دانست.»^{۱۱}

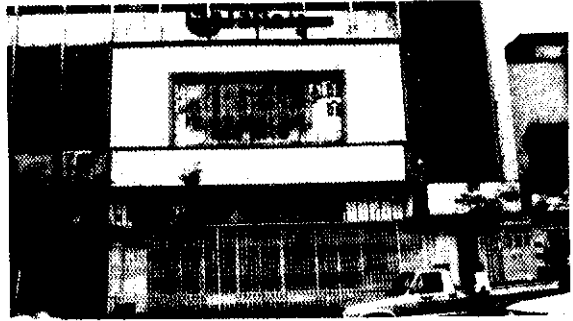
طی سال ۵۷، سینمادارها نه به دلیل همراهی با حرکت انقلابی مردم، بلکه برای افزایش قیمت بلیت، دوبار دست به اعتصاب زدند. از طرفی در این سال مردم دغدغه های دیگری داشتند. کمتر زمان فراغتی وجود داشت که بتوان آن را در سینما صرف کرد. همچنین آتش سوزیهای مکرر سینماها و حادثه سینما رکس آبادان، مردم را از حضور در تالار تاریک سینماها به هراس می انداخت. سال ۵۷، سال بدی برای سینمادارها بود.

دوره اول پس از انقلاب

هنوز مانده است تا برسیم به حالت ورشکسته امروز سینمادارها. سالهای ۵۸ و ۵۹ (علی رغم انقلاب، و علی رغم رکود عجیب سینمای ایران و نزول چشمگیر تولیدات سینمایی) سینمادارها، سالهای خوب و موفقی را می گذرانند. رونق این سالها، بیش از هر چیز، به دو عامل بازمی گردد:

۱. نبودن قوانین و معیارهای مشخص برای پخش و نمایش فیلمهای ایرانی و خارجی و بی نیازی از مجوز پخش نمایش: قوانین سابق، کنار گذاشته شده اند و زمینه های متفاوتی در جامعه بروز پیدا کرده است؛ پس تا برقراری نظم جدید و حاکم شدن مقررات تازه، سینمادارها می توانند با آزادی کامل عمل کنند. اغلب فیلمهای نمایش داده شده، طی آن سالها، فاقد پروانه و مجوز نمایش (دست کم از طرف دولت وقت) بودند.

۲. فضای انقلابی و گرایش مردم به دیدن فیلمهای انقلابی: مردمی که از یک فضای بسته بیرون آمده اند، تشنه تماشای آن



خواهان تغییر شغل و یا واگذاری سینمای خود با سهل ترین شرایط هستند.

پیش می آید که مثلاً، فقط هزینه سالیانه برق سینمایی از کل درآمد فروش آن سال، بیشتر بوده باشد.^{۱۳} درآمد ساندویچ فروشیهای کوچک اطراف سینماها، اغلب با کل درآمد سینما، قابل رقابت است. حال آنکه سرمایه خوابیده برای تالار سینما (زمین، ساختمان، تأسیسات و تجهیزات و ...) شاید یک صد برابر آن مغازه کوچک ساندویچ فروشی باشد. همچنین هزینه های سینما، بدون شک، چندین برابر آن مغازه کوچک است. بسیاری از سینما دارها - مخصوصاً در شهرستانها - بهای بلیت سینما را پایین تر از آنچه دولت (بر اساس درجه و مطلوبیت سینما) تعیین کرده است، قرار می دهند تا بتوانند تماشاگران

بیشتری را جذب کنند. چند شغل دیگر در ایران وجود دارد که صاحب کسب بخواهد بهای کالایش را پایین تر از حد تعیین شده، قرار دهد؟ سینما داران که روزگاری به گفته دادگو «ورود و تولید و خط مشی فرهنگی و اقتصادی کل سینمای کشور را تعیین می کردند»^{۱۴}، امروزه، نه اختیار انتخاب فیلم را برای سینمای خود دارند و نه اختیار تعیین مدت اکران آن فیلم را. پس، دیده می شود که چگونه آن یدبضا و حشمت و جاه، زایل و موقعیت شغلی سینما داران، دگرگون شده است.

پس از انقلاب، سینما داران به جز فروافتادن از آن جایگاه عالی، پایین آمدن شدید سود و درآمد سینما، تحمل زیانهای فصلی و حتی مداوم، افت شدید فروش و ... محکوم به پرداخت جریمه های سنگینی شدند که به اتهام اشاعه فیلمهای بدآموز قبل از انقلاب برگردنشان افتاده بود. اغلب سینما داران، هنوز هم در حال پرداخت اقساط آن جریمه ها هستند.

کمتر گروهی مثل سینما داران، پس از انقلاب، موقعیت شغلی شان، چنین دچار دگرگونی شده است. اگر این دگرگونی را برپایه استکبار و منشاء فساد بودن سابق آنها بگذاریم، باز نمی توانیم ضربه ای را که بر آنان وارد آمده، توجیه کنیم. چنانچه

ضعف امروزی این گروه را باز پس دادن تاوان کج رویهای گفته شده ایشان، فرض کنیم، این سؤال مطرح می شود: گناه آن کسی که سرمایه خود را در سالهای اخیر (شاید) با نیتی فرهنگی به ساخت سینما اختصاص داده، چیست؟ اصلاً گناه خود سینما چیست که امروزه، دیگر کسی رغبت و یا بهتر بگوییم، شجاعت

ان را ندارد تا سرمایه خود را برای تأسیس سینمای جدید، اختصاص دهد و سینمای ما از «مهم ترین منبع تأمین کننده اقتصاد سینما» و فیلمسازی «به قول دادگو»، محروم شده است؟ واقعتاً این است که شرایط امروزی، ناخواسته (و شاید بتوان گفت اندیشه نشده) سبب آمده است و ضربه فرودآمده بر سینما داران ناشی از کینه توزی دستی نیست که به ناوان گناهان پیش از انقلاب ایشان، در پی انتقام باشد.

دادگو، در کتاب «نکاتی پیرامون اقتصاد سینمای ایران» پس از اشاره به سیاستهای امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۶۲ و جایه جاشدن اهمیت و اولویت فیلم ایرانی در قبال فیلم خارجی و حمایت و تقویت فیلمسازی ایرانی می گوید:

«... برنامه دقیقی برای راه اندازی فیلمسازی داخلی تنظیم گردید لیکن توجه به مرحله «نمایش» عملاً همبای توجه خاص به «تولید» پیش نرفت. لذا شرایط و بحرانهای اقتصادی و تورم موجب گردید وضعیت کاملاً مطلوب و سودآور سینماداری به موقعیت نابسامان اقتصادی تبدیل گردد که البته علتهای عمده آن عبارتند از:

(۱) افزایش هزینه های نگهداری سالن (دستمزد کارکنان، آب و برق و تأسیسات، تجهیزات و لوازم یدکی ...)

(۲) ثابت بودن بهای بلیت.

(۳) اجرای نظامهای حمایت از تولیدکنندگان فیلم ایرانی و قطع سلطه بی رویه مالک سالن در برداشت سهم عمده از درآمد فیلم.

(۴) اجرای روشهای کنترل کننده بر درآمد سینما که موجب بازگشت سریع سهم تولیدکننده داخلی و بالمآل قطع تجمع نقدینگی نزد مالک سینما شد.

(۵) اجرای حکم قانونی بازگشت درآمدهای نامشروع سالنها از فیلمهای بدآموز قبل از انقلاب.

(۶) کاهش عرضه فیلمهای تجاری خارجی و محدودیت نمایش برخی از فیلمهای داخلی که در اثر آن سینماها روزهای متوالی ناگزیر به نمایش یک فیلم بودند و امکان تعویض فیلم - یعنی جلب تماشاگر بیشتر - را نداشتند.

(۷) بروز حوادث متوالی پیش بینی نشده در روزهای پرشکوه انقلاب و دفاع مقدس و بمباران و موشک باران شهرها ... که تعطیل شدن بلافاصله و پیاپی سینماها را



به دنبال داشت.

در نتیجه این عوامل به موازات افزایش سرسام آور قیمت زمین و ساختمان، بهای سالن و ساختمانهای مرتبط با سینما به شدت کاهش یافت، زیرا که «امور سینمایی» برای حفظ تنها موقعیت بازگشت سرمایه گذاری تولید و بالمآل حفظ صنعت فیلمسازی ملی، در مقابل درخواستهای مکرر مالکان سینما برای تغییر شغل پایداری می کرد.

در اینجا دادگو، نتیجه گیری درستی می کند:

«کاملاً روشن است که محدود شدن تعداد سالنهای منجر به محدود شدن امکانات بازگشت سرمایه تولیدکننده می شد و طبیعتاً به شکست برنامه های حمایت از تولید فیلم ایرانی می انجامید... شرایط بدی که در عرصه نمایش وجود داشت موجب بی رغبتی تماشاگر (مهم ترین منبع مادی صنعت سینما) شد.»

و این همان اتفاقی است که امروز بر سر سینما و صنعت فیلمسازی ایران آمده است. دادگو، در ادامه به طرحها و برنامه ریزیهای «امور سینمایی» برای خروج از بحران - طرح درجه بندی فیلمها و طرح طبقه بندی سالنها سینما - می پردازد. ضمن آنکه لازم است تا کوششهای ارزنده «امور سینمایی» را مؤثر و مفید ارزیابی کنیم، باید متذکر شد که ریشه بحران، همچنان باقی مانده بود و منتظر فرصتی بود تا خود را هر چه عیان تر نمودار سازد. چنانکه خود دادگو نیز می گوید: «اجرای این طرح بحران اقتصادی سالنهای سینما را به میزان فراوان رفع کرد، اما موجب حل کامل آن نشد.»

از طرفی، گران شدن بلیت در کنار سخت شدن عرصه اقتصادی بر مردم، و در کنار سایر عوامل دیگری که بحران اقتصادی سینما را دامن زده اند، موجب افت شدید استقبال تماشاگران از سینما شده است. امروزه، بسیاری از مردم به دلیل بالارفتن هزینه سینما رفتن و ناتوانی مالی، از رفتن به سینما سر باز می زنند.

مسلماً، مشکلات گفته شده در مورد سینماداری، موجب بروز اشکالات فنی و افت کیفیت در تالار نمایش و نمایش فیلمها می شود. در واقع، اگر کوششهای مسؤولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و قوالتین سختی که از طرف آن نهاد برای کیفیت تالار و نمایش فیلم وضع شده، نمی بود، معلوم نبود سینماهای کشور به چه شکلی درمی آمد. ضمن آنکه این کوششها خود باعث جلب و نگهداشتن تماشاگران سینماها نیز شده است. با

این حال، کیفیت نمایش فیلم در تقریباً تمامی سینماهای کشور، بسیار پایین است. سینماها چیزی را که گروه سازنده فیلم ساخته اند، نشان نمی دهند. صدایی که در تالار پخش می شود، آن چیزی نیست که صدابردار ضبط کرده و تصاویر نیز متفاوت با آن چیزی است که فیلم بردار گرفته است. ظاهراً، با شرایط مالی فعلی سینماها، نمی توان توقع دیگری جز این داشت.

چرا سینماها ضرر می دهند؟

جدا از دلایلی که دادگو در این مورد ارایه می دهد (و در بخش قبلی همین مقاله ذکر شد) و جدا از دلایلی که موجب بحران کلی در صنعت سینما شده است^{۱۵}، مهم ترین دلیل زیان سینماها را می توان کمبود جذابیت در فیلمهای پخش شده دانست. استقبال تماشاچیان در سالهای اخیر به شدت افت کرده است؛ تا جایی که نسبت بهره برداری سینماهای تهران در سال ۷۲ به ۱۵/۲٪ می رسد. یعنی تنها از ۱۵/۲٪ ظرفیت سینماها استفاده شده است. به نظر نمی رسد که حتی توفیق غیرعادی «کلاه قرمزی و پسر خاله» تغییری در این وضع در سال ۷۳ داده باشد. با وجود جمعیت حدود شصت میلیون نفری ایران، در سال ۷۲ کمتر از ۵۳ میلیون بلیت به فروش رفته است؛ یعنی، هریرانی کمتر از یک بار (تقریباً ۰/۸ دفعه) در سال به سینما می رود. حتی اگر حدود ۲۵٪ جمعیت ایران را افراد ناتوان و بیمار، بسیار پیر و کودکان زیر شش سال (یعنی کسانی که نمی توانند به سینما بروند) در نظر بگیریم، به این نتیجه می رسیم، هریرانی که امکان سینما رفتن را داشته باشد، در سال ۱/۱ دفعه به سینما می رود، که رقم

بسیار کمی است. در اواخر دهه ۴۰ (سالهای اوج موفقیت سینما دارها) جمعیت کشور بین ۲۵ تا ۲۸ میلیون نفر و ظرفیت سینماهای کشور تقریباً ۱/۷ ظرفیت فعلی و میزان بهره برداری در آن سالها، بیش از ۶۰٪ بود. میانگین استقبال سالیانه تماشاگران، حدود دوازده بار در سال بود و اگر باز ۲۵٪ جمعیت (ناتوانان و کودکان زیر شش سال) را کم کنیم، هریرانی که توان سینما رفتن را داشت، بیش از شانزده بار در سال به سینما می رفت. و در نظر بگیریم که نسبت جمعیت شهرنشین به کل جمعیت کشور از اواخر دهه ۴۰ تا امروز، بیش از ۱/۵ برابر شده است.^{۱۶}

از هر سینماداری که پرسیده شود، دلیل عدم استقبال تماشاگر و ضرر سینماها چیست، می گوید: «فیلمها جذاب نیستند. همه آنها اذعان دارند که اگر تماشاگر خوب باشد و استقبال کند، سینماها سودآور می شوند و دیگر هیچ کس در پی تغییر شغل نخواهد بود. و این حرفی است کاملاً معقول. در حال حاضر، از ۱۵/۲٪ ظرفیت سینماها استفاده می شود. پس درآمد صاحب سینما، ۱۵/۲٪ مقداری است که می تواند به دست آورد. مثلاً، اگر درآمد کامل سینما را - در صورتی که تمام ظرفیت سینما در طول سال استفاده شود - یک صد تومان فرض کنیم، سینمادار در حال حاضر، ۱۵/۲ تومان درآمد دارد. این رقم، تقریباً برابر با میانگین هزینه ای است که یک سینمادار^{۱۷}؛ یعنی، کل سهم سینماداران در یکی دو سال اخیر، تقریباً برابر با هزینه های سینما بوده است. کدام شغل دیگری را می توان سراغ گرفت که در این وضع، ادامه حیات دهد؟ حال اگر در یک حالت تقریباً خوب و مساعد برای سینماها، نسبت بهره برداری را ۶۰٪ در نظر بگیریم، درآمد سینمادار ۶۰ تومان خواهد بود. و با توجه به اینکه هزینه سینماها تقریباً ثابت است و به ازاء بالارفتن درآمد، هزینه خیلی کم بالا می رود، می بینیم یکباره سینمادار دارای سودی در حدود ۳۵ تا ۴۰ تومان خواهد شد. یعنی، از اینجا به بعد، هرچه فروش بیشتر شود، دیگر مستقیماً سود خالص سینمادار است. پس، سینماها سودآور خواهند شد و به ازاء سرمایه خواهی، سود معقولی را نصیب سینمادار خواهند کرد.

خیابان انقلاب، خیابان لاله زار، خیابان جمهوری (تمرکز یافته اند. پیداست که بسیاری از محلات اصلی تهران، فاقد سینما هستند؛ به ویژه محلاتی که گسترش آنها بعد از انقلاب بوده است. از هفتادوشش سینمای تهران، سیزده سینمای فعال در محدوده خیابان ولی عصر (از خیابان جمهوری تا خیابان شهید بهشتی)، ده سینما در خیابان انقلاب (محدوده میدان انقلاب تا میدان امام حسین)، چهارده سینما در محدوده خیابان لاله زار، و هشت سینما در خیابان جمهوری و اطراف آن تجمع یافته اند. دیده می شود که محدوده های فوق باز به نوعی باهم در ارتباط اند؛ گسترش سینماها در لاله زار به جمهوری می کشد و از آنجا در دو مسیر خیابان انقلاب و خیابان ولی عصر، امتداد می یابد. حتی حضور سینماهای دیگر در خیابانها و محلات به ازاء دور شدن از این نواحی، شروع به کم شدن می کند.

تراکم سینماها در سطح کشور (نمودار ۳ و جدول ۳): چنانکه دیده می شود، تراکم سینماها بعد از تهران، در استانهای گیلان و مازندران است. به یاد داشته باشیم که بیشترین نسبت بهره برداری سینماها در سالهای اخیر، در استانهای گیلان و مازندران بوده است و این دو استان از دیرباز، پس از تهران، پرطرفدارترین تماشاگران سینما را داشته اند. بعد از این دو استان، استانهای آذربایجان شرقی و غربی را داریم. اگر نظر کوتاهی به بخش شرقی کشورمان بیندازیم، می بینیم که بیش از نیمی از کشور تنها دارای چهل و شش سینما از مجموعه ۲۸۳ سینمای کشور است؛ یعنی تنها ۱۶٪ از کل سینماها. بزرگترین استان ایران - خراسان - تنها دارای بیست و پنج سینماست، که از آن تعداد شش سینما، مربوط به مشهد است که خود جزو اولین شهرهایی است که سینما در آن تأسیس شده است (مشهد پیش از انقلاب، دوازده سینما داشت). استان بزرگ سیستان و بلوچستان تنها دارای دو سینماست که آن هم در زاهدان قرار دارد.

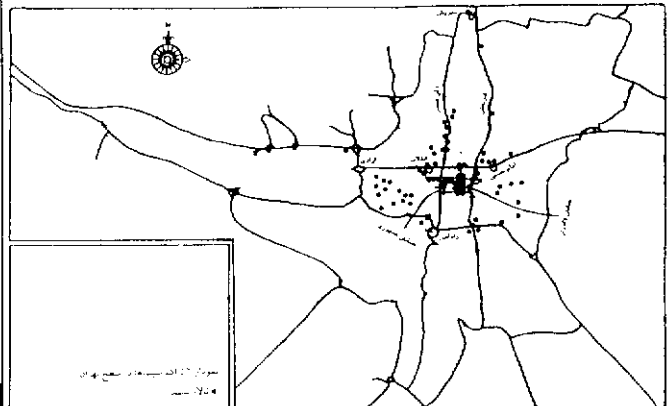
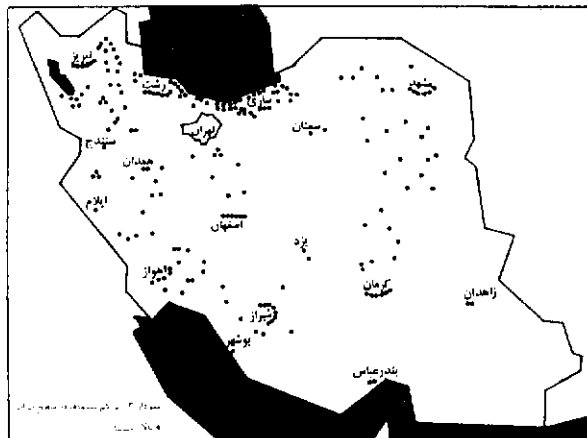
می دانیم که پس از انقلاب، شهرنشینی و تعداد شهرهای کشور، رشد زیادی داشته است. کل سینماهای کشور در تنها ۱۲۷ شهر متمرکز شده اند، حال آنکه تعداد شهرهای کشور بیش از ۴/۵ برابر این تعداد است؛ یعنی، ۷۸٪ شهرهای ایران فاقد سینما هستند.^{۱۸} در جدول ۳، مقایسه بین نسبتهای جمعیت و مساحت با نسبت گنجایش سینماهای هراسان، همچنین تعداد شهرهای فاقد سینما در قیاس با تعداد شهر هراسان، امکانات و کمبودهای تالارها سینمای کشور را به خوبی نشان دهد.

وضعیت تالارهای سینما با توجه به آمار و ارقام

تراکم سینماها در تهران (نمودار ۲): در این نمودار، به خوبی دیده می شود که سینماهای تهران، در چند نقطه بخصوص و اطراف چند خیابان و میدان اصلی (خیابان ولی عصر،

| استان | جمعیت (میلیون نفر) | نسبت جمعیت به مساحت (کلی کشور/۱۰۰۰) | مساحت (۱۰۰۰ کیلومتر ^۲) | تراکم جمعیت به مساحت (کل کشور/۱۰۰۰) | تراکم جمعیت به مساحت (کل استان/۱۰۰۰) | نسبت گرایش استان به کل کشور (درصد) | تراکم شهر | تراکم شهر به کل استان |
|---------------------|--------------------|-------------------------------------|------------------------------------|-------------------------------------|--------------------------------------|------------------------------------|-----------|-----------------------|
| تهران | ۱۰ | ۱۷۰۸ | ۳۰۰۸ | ۲۰۵ | ۷۸ | ۲۹.۶ | ۲۲ | ۲۸.۸ |
| مازندران | ۳٫۷۸ | ۶٫۸ | ۲۴۰۶ | ۲۰٫۸ | ۲۲ | ۱۱٫۱ | ۲۰ | ۱۱٫۱ |
| خراسان | ۶٫۰۶ | ۱۰۰٫۷ | ۳۱۵٫۷ | ۱۹٫۲ | ۳۵ | ۷۰٫۷ | ۲۰ | ۷۰٫۷ |
| گیلان | ۳٫۲ | ۳٫۹ | ۱۴٫۸ | ۱۰٫۸ | ۱۸ | ۶٫۲ | ۳۵ | ۶٫۲ |
| آذربایجان شرقی | ۴٫۴۲ | ۷٫۸ | ۲۴٫۸ | ۳٫۷ | ۱۶ | ۵٫۸ | ۲۲ | ۵٫۸ |
| فارس | ۳٫۵۴ | ۶٫۳ | ۱۴۰ | ۷٫۲ | ۱۵ | ۵٫۱ | ۲۲ | ۵٫۱ |
| آذربایجان غربی | ۲٫۲۸ | ۲٫۱ | ۳۷٫۶ | ۳٫۳ | ۱۶ | ۵٫۸ | ۲۲ | ۵٫۸ |
| خوزستان | ۳٫۱۸ | ۵٫۶ | ۶۶٫۵ | ۲۰٫۸ | ۱۶ | ۸٫۸ | ۲۸ | ۵٫۶ |
| کرمان | ۲٫۸۶ | ۵٫۱ | ۱۸۵٫۷ | ۱۱٫۴ | ۱۵ | ۲٫۶ | ۱۴ | ۲٫۶ |
| اصفهان | ۳٫۶۸ | ۶٫۶ | ۱۰۵۰٫۸ | ۶٫۵ | ۸ | ۲٫۲ | ۲۵ | ۲٫۲ |
| زنجان | ۱٫۷۸ | ۳٫۲ | ۲۳٫۷ | ۸٫۵ | ۷ | ۳٫۷ | ۲۵ | ۳٫۷ |
| مرکزی | ۱٫۱۸ | ۲٫۱ | ۱۹٫۵ | ۸٫۸ | ۴ | ۲٫۲ | ۱۷ | ۲٫۲ |
| کرمانشاه | ۱٫۶۴ | ۲٫۸ | ۲۳٫۰ | ۱٫۴ | ۲ | ۲٫۷ | ۱۴ | ۲٫۷ |
| لرستان | ۱٫۵ | ۳٫۷ | ۲۸٫۶ | ۱٫۸ | ۴ | ۲٫۶ | ۱۰ | ۲٫۶ |
| آمن | ۱٫۲۵ | ۳٫۸ | ۱۹٫۲ | ۱٫۲ | ۵ | ۲٫۴ | ۱۴ | ۲٫۴ |
| اردبیل | — | — | ۱۸٫۲ | ۱٫۱ | ۳ | ۱٫۸ | ۱۶ | ۱٫۸ |
| سمنان و مازندران | ۱٫۲۴ | ۲٫۶ | ۱۸۱٫۵ | ۱۱٫۱ | ۲ | ۱٫۲ | ۱۰ | ۱٫۲ |
| کردستان | ۱٫۱۳ | ۲٫۲ | ۲۰٫۸ | ۱٫۷ | ۳ | ۱٫۳ | ۱۱ | ۱٫۳ |
| چهارمحال و بختیاری | ۱٫۷۵ | ۱٫۳ | ۱۴٫۸ | ۱٫۴ | ۲ | ۱٫۲ | ۱۰ | ۱٫۲ |
| هرمزگان | ۱٫۹۲ | ۸٫۶ | ۶۵٫۴ | ۲ | ۳ | ۱٫۲ | ۱۴ | ۱٫۲ |
| بوشهر | ۱٫۱۹ | ۱٫۲ | ۱۵٫۲ | ۱٫۴ | ۱ | ۱٫۲ | ۱۳ | ۱٫۲ |
| سمنان | ۱٫۲۰ | ۱٫۸ | ۶۱٫۵ | ۵٫۴ | ۲ | ۱٫۸ | ۱۴ | ۱٫۸ |
| یزد | ۱٫۴۹ | ۱٫۲ | ۶۹٫۶ | ۳٫۳ | ۲ | ۱٫۸ | ۱۵ | ۱٫۸ |
| کهگیلویه و بویراحمد | ۱٫۵ | ۱٫۹ | ۱۳٫۷ | ۱٫۸ | ۲ | ۱٫۲ | ۸ | ۱٫۲ |
| یلام | ۰٫۱۱ | ۱٫۸ | ۱۹٫۸ | ۱٫۲ | ۱ | ۱٫۵ | ۱۴ | ۱٫۵ |

جدول ۳: مقایسه بین مساحت، جمعیت، تراکم جمعیت، گرایش استانها و تراکم شهرهای آنها به استان کل کشور (نسبت تراکم استانها به کل کشور) به استانها (استانها) در جدول (۳): مآخذ: جمعیت استانها، سرشماری سال ۶۰ است. (ب) مآخذ: سایر اطلاعات آمار سال ۷۲ است.



| نام شهر | نام سینما | سال ۷۰ | | | | سال ۷۱ | | | |
|---------|-----------|----------------------|------------------------|--------------------------|------------------------------------|----------------------|------------------------|--------------------------|------------------------------------|
| | | درصد بهره برداری (%) | فروش کل (ریال ۱۰۰۰۰۰۰) | سهم سینما (ریال ۱۰۰۰۰۰۰) | هزینه حقوق و دستمزد (ریال ۱۰۰۰۰۰۰) | درصد بهره برداری (%) | فروش کل (ریال ۱۰۰۰۰۰۰) | سهم سینما (ریال ۱۰۰۰۰۰۰) | هزینه حقوق و دستمزد (ریال ۱۰۰۰۰۰۰) |
| شیراز | فلسطین | ۶۱٫۳۶ | ۶۲٫۸ | ۲۵٫۱ | ۱۰٫۸ | ۵۲٫۲۸ | ۷۲٫۳ | ۲۸٫۹ | ۱۲٫۴ |
| تبریز | ۲۲ بهمن | ۲۶٫۷۹ | ۲۷٫۴ | ۱۱ | ۸٫۸ | ۴۵٫۷۱ | ۳۲٫۸ | ۱۳٫۱ | ۱۲٫۱ |
| همدان | فلسطین | ۵۶٫۶۱ | ۶۰٫۳ | ۲۴٫۱ | ۹ | ۴۲٫۷۸ | ۶۶٫۴ | ۲۶٫۶ | ۱۰٫۸ |
| تهران | آزادی | ۵۴٫۳۰ | ۱۶۶ | ۶۶٫۴ | ۱۸ | ۳۸ | ۱۲۸٫۹ | ۵۰٫۷ | ۲۲٫۳ |
| تهران | استقلال | ۳۰٫۱۲ | ۶۷٫۸ | ۲۷٫۱ | ۹ | ۳۲٫۸۱ | ۸۰٫۲ | ۳۲٫۱ | ۱۱٫۹ |
| ارومیه | انقلاب | ۳۱٫۴۴ | ۵۱٫۶ | ۲۰٫۶ | ۸٫۷ | ۲۰٫۱۱ | ۵۰ | ۱۸ | ۱۱٫۲ |
| مشهد | قدس | ۲۷٫۵۸ | ۷۰٫۵ | ۲۸٫۲ | ۸٫۳ | ۱۹٫۹۷ | ۶۴٫۴ | ۲۵٫۸ | ۱۰٫۷ |
| گرگان | رسالت | ۲۵٫۶۹ | ۳۸٫۶ | ۱۵٫۴ | ۸٫۴ | ۱۷٫۵۰ | ۳۱٫۱ | ۱۲٫۴ | ۱۱٫۵ |
| شیراز | حافظ | ۲۲٫۱۴ | ۵۸٫۴ | ۲۳٫۳ | ۸٫۴ | ۱۶٫۴۷ | ۶۷٫۱ | ۲۶٫۸ | ۱۰٫۶ |
| سلماس | سعدی | ۱۹٫۲۸ | ۱۶٫۲ | ۶٫۵ | ۵٫۱ | ۱۵٫۵۱ | ۱۶٫۸ | ۶٫۷ | ۶٫۶ |
| ارومیه | فرهنگ | ۱۴٫۷۴ | ۲۸٫۴ | ۱۱٫۴ | ۷٫۷ | ۹٫۳۲ | ۲۳٫۶ | ۹٫۴ | ۸٫۶ |
| بروجرد | فلسطین | ۱۶٫۹۳ | ۳۴٫۱ | ۱۳٫۷ | ۵٫۶ | ۶٫۸۷ | ۱۸٫۴ | ۷٫۳ | ۸ |
| تهران | شاهد | ۱۵٫۵۸ | ۴۳٫۹ | ۱۷٫۵ | ۸٫۷ | ۶٫۵۵ | ۲۰٫۵ | ۸٫۲ | ۱۲٫۶ |
| سیاهکل | ۲۲ بهمن | ۲٫۸۳ | ۲ | ۰٫۸ | ۱٫۱ | ۴٫۶۲ | ۳٫۸ | ۱٫۵ | ۲٫۳ |
| مراغه | آزادی | ۸٫۳۶ | ۴٫۹ | ۲ | ۳٫۶ | ۲٫۹۶ | ۴ | ۱٫۶ | ۴٫۱ |

جدول ۴ - مقایسه بین فروش کل، سهم سینما دار، هزینه حقوق و دستمزد و درصد بهره برداری در شش ماهه اول سالهای ۷۰ و ۷۱.

میزان بهره برداری از سینماها (جدول ۴): همان گونه که گفته شد، نسبت بهره برداری (که متناسب است با میزان استقبال تماشاگران و میزان ظرفیت استفاده شده سینماها) در یکی دو سال اخیر، به شدت کاهش یافته است. مخصوصاً، برخی سینماها که میزان بهره برداری آنها زیر ۱۵٪ است، در حال حاضر، در حال ضرر دادن هستند.

مقایسه بین هزینه های سینما و درآمد آن، خود می تواند سند گویایی از سود یا زیان دهی یک سینما باشد. در جدول ۴، این مقایسه برای برخی سینماهای کشور (متعلق به حوزه هنری) آورده شده است. قابل توجه است که تنها هزینه حقوق و دستمزد در این جدول با درآمد سینما، مقایسه شده است و هزینه کل نیامده است. سعی شده است که از سه دسته به تعداد مساوی نمونه آورده شود: سینماهایی که (نسبت به اوضاع فعلی سینماها) موفقیت بیشتری دارند (با میزان بهره برداری بالای ۳۰٪)، سینماهایی که

میزان بهره برداری آنها متوسط است (حدود ۱۸٪) و سینماهایی که بهره برداری پایینی دارند و ضرر می دهند (زیر ۱۰٪). آمارها مربوط به شش ماهه اول سالهای ۷۰ و ۷۱ است. (در اینجا می توانیم در ضمن مقایسه ای بین آمارهای این دو سال و افت بهره برداری از سال ۷۰ به ۷۱ انجام دهیم). به خاطر داشته باشیم که اوضاع در سالهای ۷۲ و ۷۳ بدتر شده است. متأسفانه، آمار مربوط به سهم سینما دار (که همان درآمد سینماست) در دسترس نبود. پس با یک تخمین تقریباً دست بالا، حدود ۴۰٪ فروش کل را سهم سینما دار فرض کردیم.

تالارهای سینما در تهران و شهرستانها: تا سال ۷۳، کلاً ۲۸۳ سینما در سطح کشور به صورت فعال و نیمه فعال، دایر بوده است. از تعداد گفته شده، هفتادوشش سینما در تهران و ۲۰۷ سینما در شهرستانها فعالیت دارند. تهران، دارای بیست سینمای دولتی و پنجاه و شش سینمای شخصی است و از

| کشور | سال مبنا | تعداد سینما | گنجایش کل (×۱۰۰۰) | تعداد کل تماشاگران در سال (×۱۰۰۰۰۰۰) | تعداد صندلی به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر | تعداد دفعات مراجعه به سینما به ازاء هر فرد تابع |
|------------------------|----------|-------------|----------------------|---|------------------------------------|--|
| ایران | ۱۹۹۴ | ۲۸۲ | ۱۷۲٫۴ | ۵۲٫۶ | ۲٫۸ | ۰٫۸ |
| چین | ۱۹۹۱ | ۱۳۶۶۳۹ | ۱۴۴۲۸ | ؟ | ؟ | ۱۲٫۳ |
| هند | ۱۹۹۱ | ۱۳۲۷۵ | ۶۷۴۰ | ۲۲۹۷٫۵ | ۷٫۸ | ۵ |
| ژاپن | ۱۹۸۹ | ۱۹۱۲ | ؟ | ۱۴۳٫۶ | ؟ | ۱٫۲ |
| ترکیه | ۱۹۹۱ | ۳۴۱ | ۱۷۸ | ۱۶٫۵ | ۳٫۱ | ۰٫۳ |
| ایالات متحده امریکا | ۱۹۹۱ | ۲۳۶۶۲ | ؟ | ۹۸۱٫۹ | ؟ | ۳٫۹ |
| مصر | ۱۹۸۹ | ۱۵۸ | ۱۳۰٫۴ | ۲۶٫۹ | ۲٫۵ | ۰٫۵ |
| چکسلواکی (سابق) | ۱۹۹۰ | ۲۶۶۶ | ۸۰۱٫۲ | ۵۰٫۲ | ۵۱٫۲ | ۳٫۲ |
| شوروی (سابق) | ۱۹۹۰ | ۱۳۲۶۰۰ | ؟ | ۲۹۰۰ | ؟ | ۱۰٫۳ |
| فرانسه | ۱۹۹۱ | ۵۰۰۸ | ۹۸۳ | ۱۱۷٫۵ | ۱۷٫۳ | ۲٫۱ |
| ایتالیا | ۱۹۹۱ | ۳۳۳۸ | ؟ | ۸۸٫۱ | ؟ | ۱٫۵ |
| انگلستان | ۱۹۹۱ | ۱۷۷۷ | ؟ | ۱۰۲ | ؟ | ۱٫۸ |

جدول ۵- مقایسه برخی شاخصهای سینماهای ایران با سایر نقاط جهان.

لازم به ذکر است که تعدادی تالارهای غیردایمی در تهران و شهرستانها، تأسیس شده است؛ از جمله: سینما «چاپلین» در فرهنگسرای بهمن تهران.

مقایسه برخی شاخصهای سینمای ایران با سایر کشورهای جهان (جدول ۵): می توان در این جدول، مقایسه ای بین برخی شاخصهای سینماهای ایران با سایر نقاط جهان، انجام داد. مبتای آمارها برای ایران، سال ۱۹۹۴ (پایان ۱۳۷۲) در نظر گرفته شده است. کل سینماهای کشور در آن زمان، ۲۸۲ و دارای گنجایش ۱۷۲۴۴۳ صندلی بود. چنانکه دیده می شود، گنجایش سینماهای ایران از تمام کشورهای که در جدول ذکر شده، کمتر است (به جز کشور مصر). به ازاء هر هزار نفر جمعیت، ۲٫۸ صندلی در ایران وجود دارد که در مقایسه با بسیاری از کشورها، رقم پایینی است. متأسفانه، آمار این ستون برای بسیاری کشورها ناقص است، ولی مثلاً چکسلواکی سابق به ازاء هر هزار نفر، ۵۱٫۲ صندلی دارد. تعداد دفعات مراجعه هریرانی در سال ۷۲ به سینما، ۰٫۸ (کمتر از یک بار) بوده است که باز هم در قیاس با اغلب کشورهای جهان، رقم پایینی است.

سینماهای دولتی، یازده سینما متعلق به حوزه هنری است. همچنین در شهرستانها ۱۲۳ سینما دولتی است که از این تعداد، شصت و هشت سینما در اختیار حوزه هنری قرار دارد و هشتاد و چهار سینما، مالکیت خصوصی دارند. در سال ۷۴، چهار سینمای دیگر، توسط حوزه هنری گشایش یافته است و به این ترتیب، تعداد سینماهای دایر کشور، مجموعاً ۲۸۷ سینما و تعداد متعلق به حوزه هنری، هشتاد و سه سینما شده است (به جز سینماهایی که -ظاهراً به طور موقت- تعطیل شده اند).

پس از انقلاب، هشت سینما در تهران بازگشایی شده است که آخرین آنها، سینما «آسمان آبی» است که در سال ۱۳۷۳ افتتاح شد. هیچ سینمای جدیدی در تهران پس از انقلاب، تأسیس نشده است. از سال ۷۳ تا این زمان حداقل چهار سینما در تهران تعطیل شده اند. سینما کیهان که در مسیر تعریض خیابان قرار گرفت و به کل تخریب شد. سینما شهریار (ادنون) نیز برای همیشه تعطیل شد. گفته می شود که تعطیلی سینماهای ری و شهر هنر موقت است، اما در حال حاضر هیچ امیدی به بازگشایی آنها نمی رود. در شهرستانها، چهل و نه سینما پس از انقلاب، تأسیس و یا بازسازی شده است؛ از این تعداد ده سینمای جدیدالتأسیس وجود دارد.

هر چند طبق آمار جدول ۵، کشورهای ترکیه و مصر، زیر این رقم قرار دارند.

تاسیس سینما

پس از انقلاب، وقتی دولت از تاسیس سینماهای جدید، توسط بخش خصوصی ناامید شد، خود شروع به برنامه ریزی کرد. اولین اقدام جدی، توسط فارابی، برای تاسیس تالار سینمای به صرفه و ارزان قیمت، طراحی و اقدام شد که تاکنون، نتیجه‌ای مشاهده نشده است. دولت پس از چند کوشش دیگر، در برنامه عمرانی پنج ساله کشور، تاسیس دو یست تالار سینما را پیش بینی کرد که متأسفانه، تاکنون حاصل زیادی به بار نیامده است. آخرین و جدی ترین اقدام در این جهت، برنامه ریزی برای تاسیس بیش از پنجاه تالار سینما در نقاط محروم، توسط حوزه هنری است. و این بار، به نظر می رسد که گامی فراتر از برنامه‌ها و طرحهای بلا تکلیف دیگر، برداشته شود.

اما در اینجا سؤالاتی مطرح می شود: در حالی که سینماداری در شرایط فعلی، چنین زیان آور است و اصولاً همین تعداد سینما هم به نظر زیاد می رسد^{۱۱}، چرا باید سینمای جدید تاسیس شود؟ آنچه مسلم است، با شرایط موجود، بخش خصوصی حاضر نیست در این راه سرمایه گذاری کند. پس می ماند دولت. ولی دولت، اکنون با چه توجیهی در این راه، گام گذاشته است؟ با استدلالات گفته شده، به نظر می رسد که نباید سینمای جدیدی (دست کم در شرایط فعلی) تاسیس شود. ولی آیا اساساً تاسیس سینمای جدید، مردود است؟ آیا در واقع، نمی توان (در همین شرایط موجود) انگیزه‌هایی برای جلب و جذب سرمایه های خصوصی در این راه، پیدا کرد؟ بهتر است، اول ببینیم که امکانات بالفعل و بالقوه موجود چیست.

در حال حاضر (تا پایان سال ۷۳)، ۲۸۳ سینما با گنجایش کل ۱۷۳۱۵۴ صندلی در کشور موجود است. حال اگر سینماها با ظرفیت ۱۰۰٪ در تمام روز کار کنند، حداکثر گنجایش سالیانه سینماها، حدود ۳۰۰ میلیون نفر خواهد بود. اگر جمعیت کشور را در حال حاضر، شصت میلیون نفر در نظر بگیریم، هریرانی، حداکثر پنج بار در سال، می تواند به سینما برود (در حال حاضر، متوسط مراجعه هریرانی به سینما، ۰/۸ بار در سال است). رقم ذکر شده، خود گویای محدودیتی است که تعداد فعلی سینماها دارند. حتی اگر ۲۵٪ جمعیت را - به عنوان کودکان زیر شش سال و بیماران و ناتوانان - کنار بگذاریم، باز حداکثر حضور هریرانی

در طول سال در تالارهای سینما، ۶/۶ دفعه خواهد بود. در یک شرایط روتق، مثلاً نیمه دوم دهه ۴۰، هریرانی که قادر به رفتن سینما بود، بیش از شانزده بار در سال به سینما می رفت. حال آنکه نسبت جمعیت شهرنشین به کل جمعیت، امروزه بیش از ۱/۵ برابر آن سالهاست. حال اگر در یک شرایط تقریباً خوب، فرض شود که هریرانی سینمارو (یعنی کسانی که جزو ۲۵٪ جمعیت زیر شش سال و بیماران و ناتوانان نباشند)، ماهی یکبار به سینما برود (در سال دوازده بار)، ۵۴۰ میلیون بلیت در سال فروخته خواهد شد. در حالی که ظرفیت ۱۰۰٪ سینماهای کشور در حال حاضر، حدود ۳۰۰ میلیون نفر در سال است. با توجه به اینکه هرگز نمی توان از ظرفیت ۱۰۰٪ سینماها استفاده کرد و در یک شرایط بهینه، بالاترین میزان بهره برداری، حدود ۶۰٪ خواهد بود، در نتیجه ظرفیت بهینه سینماها در حال حاضر، حدود ۱۷۶ میلیون نفر در سال است. یعنی، اگر در یک شرایط مناسب و فعال برای سینمای کشور، هریرانی سینمارو، ماهی یکبار به سینما برود، ما دست کم به سه برابر ظرفیت فعلی سینماها، نیازمندیم. مسلماً، آمار فوق مربوط به شرایطی است که ما از یک موقعیت مساعد و خوب برای سینمای کشور فرض کردیم. ولی این سؤال مطرح است، اگر طی سالهای آتی (مثلاً تا ده سال آینده) به آن شرایط رسیدیم، آیا یکبار به می توانیم ظرفیت سینماهای کشور را سه برابر کنیم؟ بی شک اگر در آن زمان، سینماهای ما پاسخگوی اقبال تماشاگران نباشند، خیلی زود، سینمای ما دچار سیر نزولی خواهد شد و یا دست کم، رکودی جدی در رشد آن پدید خواهد آمد. اگر چنان دورنمایی را باور داریم، باید از همین امروز، دست به کار شویم. پس، تاسیس سینماها لازم و ضروری است. مگر آنکه اصولاً از «سینما» قطع امید کرده باشیم و به این نتیجه رسیده باشیم که طی سالهای آتی (مثلاً بیست سال آینده) سینما جایگاه مردمی خود را از دست داده، و مقام خود را به رقابای دیگری مثل تلویزیون، ویدئو و کامپیوتر، خواهد سپرد و خود چیزی در حد تالارهای کنسرت، خواهد شد (البته مطلب اخیر، قابل بحث و تأمل است).

از طرفی، در حال حاضر، عدم تعادلی بین تهران و شهرستانها وجود دارد. چنانکه دیده شد، تراکم سینماها در تهران و دوسه شهر بزرگ، چندین برابر مناطق دیگر کشور است. همچنین گفته شد که ۷۸٪ شهرهای ایران، فاقد سینما هستند. وقتی ۲۹٪ ظرفیت سینماهای کشور در تهران متمرکز شده باشد، طبیعی است که نسبت افراد سینمارو در تهران، بیش از سایر نقاط

| سال | تهران | | شهرستانها | | کل کشور | |
|------|-------|--------|-----------|--------|---------|--------|
| | تعداد | گنجایش | تعداد | گنجایش | تعداد | گنجایش |
| ۱۳۶۳ | ۷۶ | ۵۲۰۹۸ | ۱۸۸ | ۱۲۳۸۹۲ | ۲۶۴ | ۱۷۵۹۹۰ |
| ۱۳۶۴ | ۷۴ | ۴۹۸۴۷ | ۱۵۹ | ۹۷۳۲۱ | ۲۳۳ | ۱۴۷۱۶۸ |
| ۱۳۶۵ | ۷۴ | ۴۹۵۱۷ | ۱۷۲ | ۱۰۶۸۶۴ | ۲۴۶ | ۱۵۶۳۸۱ |
| ۱۳۶۶ | ۷۷ | ۵۰۷۷۳ | ۱۸۰ | ۱۰۷۳۲۱ | ۲۵۷ | ۱۵۸۰۹۴ |
| ۱۳۶۷ | ۸۱ | ۵۲۴۲۷ | ۱۷۹ | ۱۰۹۶۲۴ | ۲۶۰ | ۱۶۲۰۵۱ |
| ۱۳۶۸ | ۸۲ | ۵۳۷۲۵ | ۱۸۷ | ۱۱۲۲۱۳ | ۲۶۹ | ۱۶۵۹۳۸ |
| ۱۳۶۹ | ۷۹ | ۵۰۸۲۸ | ۱۹۴ | ۱۱۹۴۵۹ | ۲۷۳ | ۱۷۰۲۸۷ |
| ۱۳۷۰ | ۷۸ | ۵۰۸۸۹ | ۱۹۴ | ۱۱۸۷۵۵ | ۲۷۲ | ۱۶۹۶۴۴ |
| ۱۳۷۱ | ۷۴ | ۴۸۶۹۳ | ۲۰۲ | ۱۲۱۰۳۶ | ۲۷۶ | ۱۶۹۷۲۹ |
| ۱۳۷۲ | ۷۵ | ۴۹۶۰۲ | ۲۰۷ | ۱۲۲۸۴۱ | ۲۸۲ | ۱۷۲۴۴۳ |
| ۱۳۷۳ | ۷۶ | ۵۰۳۱۳ | ۲۰۷ | ۱۲۲۸۴۱ | ۲۸۳ | ۱۷۳۱۵۴ |

جدول ۶: تعداد و گنجایش سینماهای کشور از ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۳.

کشور باشد. همچنین، سینماها در شهرستانها از لحاظ ساختمان، تجهیزات، سرویس دهی به مشتری و فیلمهای به نمایش درآمده، کیفیتی پایین تر از سینماهای تهران دارند؛ جدا از اینکه ایران، اصولاً کشوری است با فرهنگها، سنتها و مردمان مختلف و تمایل تماشاگران در نقاط مختلف ایران، بسیار متفاوت و متنوع است. در حالی که در اکثر قریب به اتفاق فیلمهای ایرانی، معیار، علاقه و پسند تماشاگر تهرانی است (مطلب اخیر، بحث مفصلی می طلبد که در جای خود به آن پرداخته خواهد شد).

علی رغم تمام نکات ذکر شده، همواره نسبت بهره برداری در سینماهای شهرستانها، بالاتر از تهران بوده است و این خود نشانگر کثرت مثبت شهرستانها در تأسیس سینماست. باری، برای رسیدن به تعادل بین چند شهر بزرگ و سایر نقاط کشور، ضروری است که سینماسازی در نقاط محروم در اولویت قرار

گیرد. حوزه هنری، تأسیس سینماهای جدید را بر دو مبنای قرار داده است:

۱. تأسیس سینما در نقاط محروم
۲. استفاده از امکانات و تالارهای بلااستفاده و بازسازی سینماهای تعطیل در سطح کشور.

آقای محمودپور، مدیر مجتمع خدمات سینمایی حوزه هنری، اذعان دارند که تأسیس سینماهای جدید توسط حوزه، توجیه اقتصادی ندارد. ایشان می گویند: «کار ما صرفاً اقتصادی نیست و بیشتر جنبه فرهنگی دارد.»

جهت رسیدن به معیارهایی برای ساخت سینما در نقاط مختلف، نیاز به تحقیقات و مطالعات مفصلی است، تا برسیم به اینکه سینماهای تازه تأسیس، دارای چه مشخصاتی باشند. مثلاً وقتی شهر یا محله ای توان جذب حدود ۳۰۰ تماشاگر سینما را در

هر نوبت نمایش دارد، نیازی به ساخت سینمایی با هزار صندلی نیست. در حال حاضر، در یک برنامه میان مدت، می توان ساخت سینماهای کوچک را با گنجایشی در حدود ۳۰۰ صندلی. مورد توجه قرار داد؛ ضمن آنکه هزینه ساخت و هزینه های جاری چنین سینماهایی، بسیار کمتر از سینماهای بزرگ است. اگر به امار کلی بهره برداری سینماها توجه شود، خواهیم دید که بالاترین درصد بهره برداری، مربوط به سینماهای درجه سه است و دلیل عمده آن، کوچک بودن سینما، محدود بودن پذیرش تماشاگر و در نتیجه، پایین بودن هزینه های آنهاست.

معیار دیگر، می تواند استقرار مناسب سینماها در بهترین موقعیت از لحاظ جذب تماشاگر باشد. این گفته به این معنی نیست که فقط خیابانهای اصلی و پرجمعیت سینما داشته باشند، بلکه باید در محلات و یا مراکز نقاط محروم، مطالعه دقیق صورت گیرد و بهترین مکان برای استقرار سینمای محلی، یافت شود.

معیار دیگری که در حال حاضر می توان مورد توجه قرار داد، ایجاد مکانهایی در محوطه سینما، برای حصول درآمدهای جنبی است. از جمله: بوفه، رستوران، سرگرمیهای کامپیوتری، کتابفروشی و نوار فروشی و ... هر چند که این نوع کسب درآمد، در ریشه های اقتصاد سینما، نمی تواند، چندان مؤثر باشد. ولی (در حال حاضر) با توجه به اینکه درآمد حاصله از این کسبها به نسبت فروش سینما، می تواند درخور توجه باشد، برای سودآور کردن سینماها و جلب سرمایه های خصوصی، کاملاً تأثیرگذار خواهد بود.

به هر شکل، برای رسیدن به معیارهائی واقعی و دقیق برای ساخت سینما، نیاز به مطالعه و تحقیق گسترده و کارشناسانه در کل و اجزاء کشور است.

خروج از بحران

در کل، راههای خروج از بحران تالارهای سینما، نمی تواند جدا از راه حلهای بحران صنعت سینمای ایران باشد. در اینجا نیز نیاز به بررسیهای دقیق و کارشناسانه است. ولی در مرحله حاضر، می توان دو گونه راه حل پیشنهاد کرد:

۱. راه حلهای سریع و کوتاه مدت.

۲. راه حلهای بلند مدت و زیربنایی.

به عنوان راه حلهای سریع، می توان به کمکهای دولت و نهادهای دولتی به امر تالارهای سینما اشاره کرد. قرار دادن

معافتهایی در پرداخت هزینه های آب و برق و کمک بیشتر دولت در تأمین تجهیزات و مصالح برای سینماها. ضمن آنکه ضروری است هماهنگی هایی بین نهادهای مختلف دولتی در حمایت و کمک به سینماها (و اساساً صنعت سینمای ایران) صورت گیرد. اگر سینمایی برای مدتی، توان پرداخت هزینه برق خود را ندارد، باید بتواند تا مدتی از معافتهایی استفاده کند و دست کم، در اولین برخورد به تعطیلی کشانده نشود. چنانچه نهادی، مثلاً حوزه هنری، با طی کردن مسیری دشوار موفق می شود که سینمایی در محله ای به راه اندازد، اگر از طرف شهرداری و فرمانداری و سایر نهادهای کشوری و منطقه حمایت و کمک نمی شود، دست کم با دست اندازها و موانع بی مورد اداری و غیر اداری هم روبه رو نشود.

از دیگر راههای سریع حل بحران، ایجاد باز هم بیشتر سرویسهای مشتری پسند، چه از لحاظ آرایشی و چه از لحاظ کیفی در تالارهای انتظار و نمایش، ورودیها و خروجیها، سر در سینما و مخصوصاً در کیفیت نمایش فیلم است. هر چند که برای این موضوع، کوششهای مؤثری صورت گرفته است، به نظر می رسد که هنوز جذابیتهای فراوانی برای جلب مشتری در محیط سینما، بتوان ایجاد کرد.

یکی دیگر از راهها، موردی است که پیش از این نیز بدان اشاره شد: ایجاد درآمدهای جنبی در محوطه سینماها (و البته، همکاری و کمک سازمانهای مختلف دولتی در ایجاد چنین بخشهایی).

به عنوان راه حلهای بلندمدت نیز به چند مورد، می توان اشاره کرد:

- در حال حاضر، در اداره سینماها (و همچنین در کل فیلمسازی کشور) شیوه ای التقاطی (دولتی - خصوصی) پیش می رود. شاید در شرایط فعلی برای سینمای ما، چاره ای جز این نباشد، ولی در طولانی مدت، ادامه چنین وضعی نمی تواند مفید باشد. مسؤلان امر نیز خود پی برده اند که ادامه این روند، چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ فرهنگی، نمی تواند شیوه مناسبی برای اداره سینمای کشور باشد. پس بهتر است که طی دوره ای این التقاط از بین رفته، طریقی معلوم و قطعی برای سینمای ایران یافت شود.

- از مهم ترین مشکلات سینمای فعلی ما و عدم استقبال تماشاگران، نبودن جذابیت در فیلمهای موجود است. ضروری است که هر چه سریعتر، فکری به حال این معضل بشود. در این



مورد قبلی است) به معیار ارزنده ای، دست یابد که قابل رقابت در بازار جهانی (و البته، بازار داخلی) باشد؟ دیگر آنکه فیلمهای خارجی، همه بدآموز نیست، و بسا که مفاهیم و موضوعات هشدار دهنده ای نیز در آنها باشد، از جمله فیلم «مظنون به گناه» که دوران مک کارتیزم و عملکرد آن را در مورد سینماگران امریکا و اختناق آن دوره را بررسی می کند. همچنین با بهره گیری از جذابیت این فیلمها، ضمن رونق بخشیدن به اوضاع تالارهای سینما و ترغیب شهروندان به تماشای فیلم، می توان سهمی اساسی از فروش آنها را به حمایت از تولیدات سینمای ایران اختصاص داد. و این تقریباً همان کاری است که کشورهایی چون فرانسه سالهاست سینمای فرهنگی خود را با آن زنده نگه داشته اند.

مؤخره

۱. در این مقاله به تالارهای سینما، عمدتاً از جنبه اقتصادی نگاه شده است، نه از جنبه های فنی، تاریخی و ... و اگر به جنبه های دیگر پرداخته شده، تأکید بر «اقتصاد سینما» بوده است.

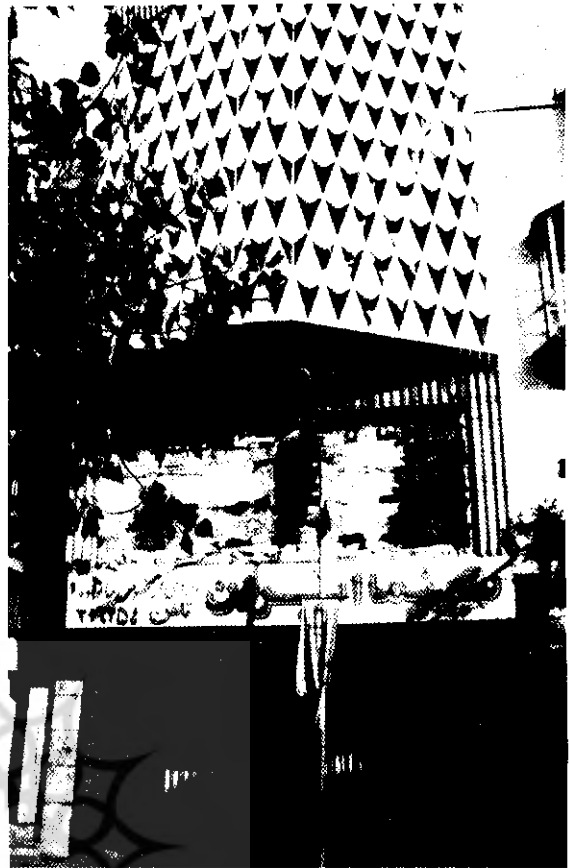
۲. تا حد امکان، سعی شده است که موارد گفته شده در این مقاله، مستند و دقیق باشند، با این حال، به نظر می رسد که برخی آمار اخذ شده مربوط به شهرستانها و خارج از کشور، کاملاً دقیق نباشند.

۳. لازم است در اینجا از آقای محمودپور، مدیر مجتمع خدمات سینمایی حوزه هنری و آقای خادم، رئیس انجمن

راه، از بین بردن نظارتهای سلیقه ای دست و پا گیر، تنوع بخشیدن به قالبهای تولید فیلم و تعالی بخشیدن به کیفیت فیلمهای ایرانی از طریق به کارگیری سینماگران متخصص، می تواند مؤثر باشد. در حال حاضر، در بسیاری از بخشهای سینمای ایران (چه فنی و چه اداری)، حضور غیر متخصصان، لطمات جدی وارد می کند. ضروری است که با میدان دادن به نیروهای متخصص، تحول اساسی در سینمای ایران ایجاد کرده، و آن را از بند کم سوادان و غیر متخصصین، رها کنیم.

- در مورد تأسیس سینما و کمبود سینماهای کشور نیز در بخش قبل صحبت شد. بی شک، یکی از راههای زیربنایی برنامه ریزی گسترده برای تأسیس سینماهاست. برای شروع و به عنوان راه حلی سریع، می توان تأسیس سینماهای کوچک در نقاط محروم کشور را مورد توجه قرار داد.

- یکی از مواردی که سالهاست به عنوان لولوی سینمای ایران، از آن نام می برند، «فیلم خارجی» است. بدون شک، در دوره های مختلف سینما (به ویژه پیش از انقلاب) فیلم خارجی و ورود بی رویه آن، لطمات جدی به سینمای ما وارد کرده است. ولی آیا در حال حاضر، برای تحرك بخشیدن به سینماها و جذب دوباره تماشاگران، بهتر نیست درها را کمی باز کنیم و اندکی به این موجود میدان دهیم؟ آیا عدم جذابیت در فیلمهای فعلی ما، نمی تواند ناشی از عدم حضور رقیب در میدان باشد؟ و آیا در طولانی مدت، سینمای ما، نیازمند آن نیست که چه از لحاظ فنی، چه از لحاظ هنری و چه از لحاظ جذابیت (که خود برآیندی از دو



سینما داران که اطلاعات ارزنده ای در اختیار این جانب قرار دادند، تشکر کنم. همچنین سپاسگزار محبت های دوست عزیزم، آقای جلوه نژاد هستم.

۴. علی رغم درخواست های متعدد از مؤولان «مرکز تحقیقات و مطالعات سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» و مراجعات مکرر به آن نهاد، متأسفانه، هیچ کمکی از طرف ایشان ارایه نشد. حال آنکه آن نهاد، می توانست اطلاعات بسیار ارزنده ای برای این مقاله ارایه دهد. از این رو، اطلاعات و آماری که به راحتی از طرف آن مرکز، قابل حصول بود، از راه های مختلف دیگری به سختی به دست آمد.

امید که روزی ارزشیابی و ارج نهادن بر تحقیقات و مطالعات علمی در این کشور، جایگاهی والاتر از این بیابد!

پانوشتها

۱. در واقع، این اولین اقدامی بود که جهت نمایش «عام» محصول سینمایی انجام شد، و الا نمایش فیلم در دربار و برای خواص درباری از سال ۱۲۷۹ شمسی برقرار بود.
۲. جدول های ۱ و ۲، از کتاب «تاریخ سینمای ایران» مسعود مهرابی آورده شده است. مهرابی خود، این جدولها را از وزارت فرهنگ و هنر، اعلام شده در سال ۱۳۵۶، اخذ کرده است.
۳. متأسفانه آمار دقیق به دست نیامد.
۴. جمعیت ایران در سال ۱۳۴۵، ۲۵٫۸ میلیون نفر بود و امروز، ۶۰ میلیون نفر است.
۵. متأسفانه، باز هم تعداد دقیق به دست نیامد و رقم ذکر شده، با مقایسه

چند آمار مختلف، گفته شده است.

۶. فرهنگ سینمای ایران، حمید شعاعی.
۷. اطلاعات مربوط به تشکیلات سینما داران از اظهارات آقای خادم رئیس فعلی انجمن سینما داران گرفته شده است.
۸. ظاهر آدادگو، ۲۰٪ عوارض دولت را که به طور مساوری از سینما دار و صاحب فیلم گرفته می شد و سهم سینما دار را به حدود ۴۰٪ می رساند، در نظر نگرفته است.
۹. ویژه سینما و تئاتر (۲ و ۳)، دی ماه ۱۳۵۱.
۱۰. تاریخ سینمای ایران، مسعود مهرابی.
۱۱. تعداد سینما های بازگشایی شده پس از انقلاب در تهران هشت سینما و در شهرستانها چهل و نه سینماست. هیچ سینمای جدیدی در تهران تأسیس نشده است. در شهرستانها در حدود ده سینمای جدیداً تأسیس داشته ایم.
۱۲. نکاتی پیرامون اقتصاد سینمای ایران.
۱۳. طبق اظهار آقای محمود پور، مدیر عامل مجتمع خدمات سینمایی حوزه هنری، هزینه سالیانه برق سینما بهمن بوشهر، بیش از کل درآمد سال ۷۳ آن سینما بوده است و به دلیل نداشتن پول پرداخت هزینه برق، برق سینما قطع و سینما تعطیل شده است.
۱۴. نکاتی پیرامون اقتصاد سینمای ایران.
۱۵. رجوع شود به مقاله «درآمدی بر ریشه های بحران در اقتصاد سینمای ایران» از نویسنده همین مقاله، مجله نقد سینما، شماره ۵.
۱۶. جمعیت ایران در سال ۴۵، حدود ۲۵٫۸ میلیون نفر و جمعیت شهر نشین در آن سال، حدود ۹٫۸ میلیون نفر بوده است. جمعیت شهر نشین ایران در سال ۷۰، حدود ۳۱٫۸ میلیون نفر بوده است؛ سائنامه آماری کشور، سال ۷۲، مرکز آمار ایران.
۱۷. رقم گفته شده برای هزینه، کاملاً دقیق نیست و تخمینی است.
۱۸. تعداد کل شهرهای ایران تا سال ۷۲، ۵۷۸ بوده است؛ سائنامه آماری کشور، سال ۷۲، مرکز آمار ایران.
۱۹. نسبت بهره برداری از سینما های تهران در سال ۷۲، ۱۵٫۲٪ و همین نسبت برای شهرستانها، ۱۸٫۳٪ بوده است.
۲۰. در حالی که ما افزایش جمعیت و جمعیت شهر نشین را در نظر نگرفته ایم.

منابع

۱. نکاتی پیرامون اقتصاد سینمای ایران، محمد مهدی دادگو.
 ۲. فرهنگ سینمای ایران، حمید شعاعی.
 ۳. تاریخ سینمای ایران، مسعود مهرابی.
 ۴. ویژه سینما و تئاتر، شماره های ۲ و ۳، دی ماه ۱۳۵۱.
 ۵. سائنامه آماری کشور، سال ۱۳۷۲، مرکز آمار ایران.
 ۶. برخی شماره های مجله فیلم.
 ۷. جزوه «سیناستها و روش های اجرایی تولید، توزیع و نمایش فیلم در سال ۱۳۷۳»، معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Statistical Yearbook Unesco - 1994. A